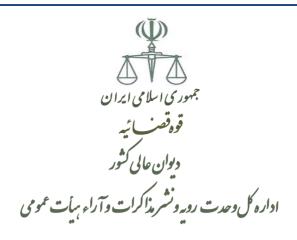


رأي شماره : ۲۴۰-۱۳۹۴/۱/۱۸

رأي وحدترويه هيأت عمومي ديوان عالي كشور

باتوجه بهدلالت مقررات فصل دوم از بخش دوم کتاب دیات قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ در قواعد عمومی دیه اعضاء و نظر به حکم ماده ۵۳۰ آن که در مقام سنجش دیه اعضای فرد و زوج وضع شدهاست و با عنایت به فتاوی معتبر فقهی، مبنی بر تعیین ارش برای از بین بردن طحال و اینکه در فصل دیه مقدر اعضاء برای طحال دیه مقدر منظور نشدهاست؛ بنابراین در صورت از بین بردن این عضو، ماده ۶٤۹ همان قانون حاکم بر موضوع تشخیص می شود و دادگاه باید بارعایت مقررات این ماده برای آن ارش تعیین کند، لـذا آراء شعب ۱۰۱ دادگاههای عمومی (جزایی) بوکان و دشتآزادگان که براین اساس صادر شده است به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و موافق قانون تشخیص می شود. این رأی مطابق مقررات ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع است./د

هيأت عمومي ديوانعاليكشور

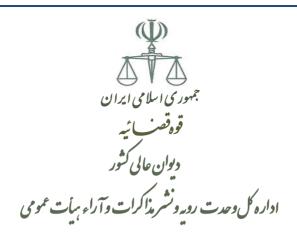


رأي شماره: 241-1396/7/17

رأي وحدترويه هيأت عمومي ديوان عالي كشور

نظر به اینکه تبصره ۱ ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مقرر داشته : « در حوزه قضایی شهرستانهایی که دادگاه خانواده تشکیل نشدهاست دادگاه عمومی حقوقی مستقر در آن حوزه با رعایت تشریفات مربوط و مقررات این قانون به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی میکند.» و با عنایت به اینکه در ترکیب دادگاه های عمومی حقوقی با توجه به بند الف ماده ۱۶ (اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مشاور پیش بینی نشدهاست، بنابراین در مواردی که این دادگاهها به علت عدم تشکیل دادگاههای خانواده به امور و دعاوی خانوادگی رسیدگی میکنند حضور قاضی مشاور زن در دادگاه قانوناً ضرورت ندارد ، بر این اساس رأی شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی وانقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است./د

هيأت عمومي ديوانعاليكشور

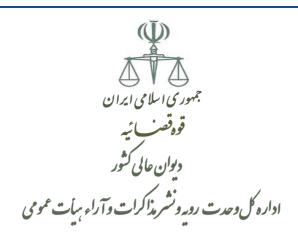


رأي شماره :242-1394

رأي وحدت رويه هيأت عمومي ديوان عالي كشور

غایت و هدف قانونگذار از وضع تبصره اصلاحی ذیل ماده ٤٧٨ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ این است که احکامی که پس از اجرا، قابل تدارک و جبران نیست و نسبت به آن تقاضای اعاده دادرسی شده قبل از حصول نتیجه تقاضا موقتاً بهموقع اجراء گذارده نشود.براین مبنا و باتوجه بهقابلیت اجرای احکام قطعی کیفری، شعبه دیوانعالی کشور برای صدوردستور توقف اجرای حکم ابتدا باید درخواست را بررسی و ملاحظه و چنانچه نظر اعضای شعبه بر رد درخواست باشد صدور دستور توقف اجرای حکم مقررامر بیفایده و لغوی است و بهاین جهت صدور این دستور در چنین مواردی بهدلالت عقلی موافق مقصود قانون گذار نبوده و موضوعاً از شمول حکم مقرر در تبصره مذکور خارج است .بر این اساس رأی شعبه سیوچهارم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد صائب و موجه تشخیص می گردد.این رأی طبق ماده ٤٧١ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عالی کشور لازم

هيأت عمومي ديوانعاليكشور



رأی شماره : ۷۴۳ -۱۳۹۴/۸/۵

رأي وحدت روية هيأت عمومي ديوان عالىكشور

آنچه که در مادهٔ ۳۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و ... آمده، نظارت و رسیدگی یک جانبهای بود که حتی بدون درخواست محکوم به اعدام از سوی رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور اعمال می گردید و کیفیت رسیدگی اصولاً قابل قیاس با چگونگی تجدیدنظرخواهی از احکام نبود. نظر به اینکه مادهٔ ۳۳ قانون یاد شده مطابق مادهٔ ۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری صریحاً نسخ شده و قابلیت اجرا ندارد و بر اساس قانون منسوخ نمی توان اقدامی معمول داشت و با توجه به صدر و ذیل مادهٔ ۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی که مشعر بر اجرای قوانین شکلی و تشریفاتی در خصوص قضایایی است که سابق بر تصویب آنها مطرح شده و در جریان رسیدگی است (و عطف به ماسبق شدن این قوانین را تجویز کرده است) و نظر به اینکه احکام اعدام متهمان به ارتکاب جرایم مواد مخدر، به لحاظ عدم قطعیت قابلیت اجرا ندارد و با عنایت به اینکه مادهٔ ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری آراء صادر شده دربارهٔ جرایمی را که مجازات قانونی آنها سلب حیات است علیالاطلاق قابل فرجامخواهی در دیوان عالی کشور دانسته و موجبی وجود ندارد که احکام اعدام متهمان مذکور را از شمول حکم عام و کلی این ماده مستثنی بدانیم، بنا به مراتب، به نظر اکثریت قاطع اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، احکام یاد شده قابل فرجامخواهی در دیوان عالی کشور است و رأی شعبهٔ ۶۸ دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص داده میشود. این رأی مطابق مادهٔ ۶۷۱ قانون اخیرالذکر برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع لازم/الاتباع است./د

هیأت عمومی دیوان <mark>عال</mark>یکشور

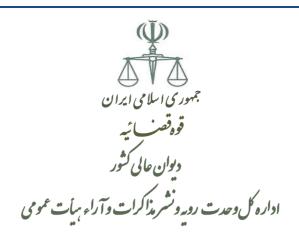


رأي شماره : ۲۴۴ -۱۳۹۴/۸/۱۹

رأي وحدت روية هيأت عمومي ديوان عالىكشور

مطابق مادهٔ ۱۹ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار هر یک از مجازاتها را در درجهای خاص قرار داده که قرار گرفتن هر مجازات در مرتبهای معین در عین حال مبین شدت و ضعف آن کیفر نیز میباشد، لکن در هر یک از این درجات نیز کیفرهای غیر متجانس وجود دارد که به لحاظ عدم امکان سنجش آنها با یکدیگر، تشخیص کیفر اشد در بین آنها بعضا با اشکال مواجه می گردد؛ به منظور رفع اشکال، تبصرهٔ ۳ مادهٔ ۱۹ قانون یاد شده، در مقام بیان قاعده، مقرر میدارد: ... در صورت تعدد مجازاتها و عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است ... علاوه بر این، در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی، از جزای نقدی به عنوان «بدیل مناسبتر» مجازات حبس (در مقام تخفیف و تبدیل آن مجازات) و کیفر جایگزین مجازات حبس که علیالقاعده ماهیت خفیف تر و ملایم تری از حبس دارد، استفاده شده است و عرف و سابقهٔ قانونگذاری در کشور ما نیز حکایت از صحت چنین استنباطی دارد. بنا به مراتب مذکور، به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در مواردی که مجازات بزه حبس توام با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجهٔ مجازات و بالنتیجه صلاحیت دادگاه است. این رأی مطابق مادهٔ ۲۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است./د

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

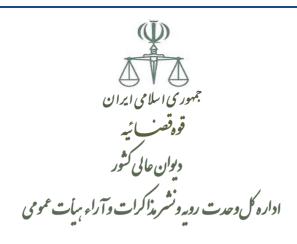


رأي شماره :450 -1346/1598

رأي وحدت رويه هيأت عمومي ديوان عالىكشور

نظر به اینکه مادهٔ ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر میدارد: «آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مُجری در زمان صدور آنان میباشد.» و با عنایت به اینکه بر حسب مستفاد از مادهٔ ۳۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ... مصوّب ۱۳۷۲/۸/۱۷، آراء محکومیت مرتکبین جرایم مواد مخدر به استثنای احکام اعدام که تا تاریخ ۱۳۹٤/۳/۳۱ صادر گردیده، قطعی و لازم الاجرا است و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوّب سال ۱۳۹۲ مقررات خاصی برای تجدیدنظر یا فرجام خواهی نسبت به این آرا وضع نگردیده است، بنابراین مقررات این قانون راجع به اعتراض به آراء با لحاظ حکم مقرر در مادهٔ ٤ قانون مدنی که مقرر میدارد «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد، مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.» منصرف از آراء مورد اشاره است، بر این اساس، رأی شعب سی و هشتم و چهل و چهارم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، صحیح و قانونی تشخیص داده میشود. این رأی طبق مادهٔ ۲۷۱ قانون اغیرالذکر در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازمالاتباع است./د

هيأت عمومي ديوان عالىكشور

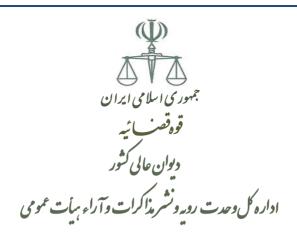


رأي شماره : ۷۴۶ - ۱۳۹۴/۱۰/۲۹

رأي وحدت رويه هيأت عمومي ديوان عالىكشور

از مجموع مقررات مربوط به مجازاتهای جایگزین حبس، موضوع فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ به ویژه اطلاق مواد ۲۵، ۲۲، ۲۸ و ۲۹ قانون مذکور چنین مستفاد می گردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوقالاشاره الزامی بوده و مقیّد به رعایت شرایط مقرر در مادهٔ ۲۶ قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمیباشد. بر این اساس رأی شعبهٔ سی و هفتم دیوان عالی کشور تا حدّی که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح تشخیص داده می شود. این رأی طبق مادهٔ ۲۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است./د

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأي شماره: ۲۴۷ - ۱۳۹۴/۱۰/۲۹

رأي وحدت رويه هيأت عمومي ديوان عالىكشور

نظر به اینکه یکی از شرایط برقراری مسئولیت مدنی، وجود تقصیر است، لذا در اینگونه موارد به عنوان مقدمهٔ صدور حکم به جبران خسارت، باید وجود تقصیر و تخلف و ورود خسارت احراز گردد و سپس دادگاه میزان خسارت را تشخیص دهد و حکم به جبران آن صادر نماید که احراز تخلف مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای ۱ و ۲ مادهٔ ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، بر اساس تبصرهٔ مادهٔ مرقوم بر عهدهٔ دیوان است. بدیهی است در مواردی که مالکان اراضی تصوف و تملک شده از سوی شهرداری، بهای آن اراضی را مطالبه می کنند بدون اینکه مدعی تخلف و نقض قانون از سوی شهرداری در اقداماتی که انجام داده، باشند دعوی موضوعاً از شمول مقررات بندهای ۱ و ۲ و تبصرهٔ ۱ بند ۳ مادهٔ ۱۰ قانون یاد شده خارج است و دادگاه باید به دعوی رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید. بر این اساس، رأی شعبهٔ هجدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح تشخیص داده می شود. این رأی طبق مادهٔ ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع، اعمٔ از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است./د

هيأت عمومي ديوان عالىكشور

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com. The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.